

درنگی در مکی یا مدنی بودن سوره عادیات*

حسین جدی (نویسنده مسؤول)^۱

ابراهیم اقبال^۲

چکیده:

تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم در شناخت صحیح آنها و برگزیدن آرای تفسیری و رد سخنان ناصواب بسیار مؤثر است. این امر خود بر پایه تعیین مکی یا مدنی بودن یک سوره استوار است. علم مکی و مدنی، بسیاری از سوره‌های قرآن را بدون اختلاف، مکی برمی‌شمرد و شمار کمتری را بدون هیچ سخنی، مدنی می‌داند، اما در خصوص اندک سوره‌هایی، اختلاف در مکی یا مدنی بودن را نشان می‌دهد. سوره عادیات در دسته سوم قرار دارد. تعیین مکی یا مدنی بودن این سوره از یک سو با دشواری، و از سوی دیگر با ضرورت همراه شده است. روایات ترتیب نزول و اسباب نزول نیز در مورد این سوره گوناگون است و در نگاه نخست، با توجه به قواعد و ضوابط شناخت مکی و مدنی، هر دو احتمال به چشم می‌آید، اما با بررسی سندی و متنی روایات و دقت در تطبیق قواعد و ضوابط شناسایی سوره‌ها، مدنی بودن عادیات اثبات می‌شود. مدنی محسوب شدن این سوره، هم حسن ختام اختلاف دیدگاه‌ها و آراء است، هم به تاریخ‌گذاری این سوره می‌انجامد، و به فرجام نیز یکی از فضایل حضرت علی علیه السلام را نمایان می‌سازد.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ‌گذاری / مکی و مدنی / عادیات / ترتیب نزول / اسباب نزول

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۳، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱/۱۶.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2017.47077.1488

jeddi.hossein@mail.um.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

eeghbal.ut.ac.ir

۲- دانشیار دانشگاه تهران

بیان مسأله

تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم یا تعیین محدوده زمانی نزول آنها، گرچه عنوانی نوین در پژوهش‌های مربوط به قرآن کریم به‌شمار می‌آید، ولی علوم زیربنایی آن همانند مکی و مدنی، ترتیب نزول سوره‌های قرآن و اسباب نزول، سابقه‌ای کهن به قدمت ظهور اسلام و آغاز نزول قرآن دارد. بر پایه چنین پژوهش‌هایی، شناخت صحیح سوره‌های قرآن کریم از یک‌سو، پیراستن دیدگاه‌ها و نظریات مشوب تفسیری از سوی دیگر، و انتخاب نظرات صحیح از سوی سوم، امکان‌پذیر است.

واضح است که تاریخ‌گذاری یک سوره در گام نخست، بر مکی یا مدنی بودن آن بنا یافته است. بدین‌سان در منابع منقول و موجود، در مکی بودن بسیاری از سوره‌های قرآن و مدنی بودن شماری دیگر، اختلافی وجود ندارد یا دست‌کم اختلاف چشمگیری مشاهده نمی‌شود، اما در مورد چند سوره، این ناهمگونی با نمود قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو است، در نتیجه فرآیند تاریخ‌گذاری این‌گونه سوره‌ها با دشواری همراه است. سوره عادیات از جمله این سوره‌هاست، از این‌رو ضروری است در گام نخست، انگاره اختلاف از ساحت مکی یا مدنی بودن آن زدوده شود و آن‌گاه روند تاریخ‌گذاری آن صورت پذیرد و بدین ترتیب، بسیاری از اختلافات دیگر که در همین امر ریشه دارد، پایان یابد.

هرچند در خصوص سوره عادیات، مواردی از جمله روایات مکی و مدنی، بخشی از روایات ترتیب نزول و اسباب نزول، و مؤلفه‌هایی نظیر قرار گرفتن عادیات در زمره سوره‌های پایانی قرآن کریم - به لحاظ ترتیب کنونی - کوتاهی آیه‌ها، مسجّع و موزون بودن آنها، حکایتگر مکی بودن این سوره‌اند، اما در موازات با آن، سوره‌ای مدنی به حساب می‌آید که مدنی بودن آن از دو راه سماعی (بررسی و ارزیابی روایات و اقوال) و قیاسی (تطبیق قواعد و ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی) قابل اثبات می‌باشد.

این پژوهش در چهار بخش، سوره عادیات را مورد کاوش قرار داده است: روایات ترتیب نزول، اسباب نزول، ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی و



در نهایت، ساختار و مضمون خود سوره، و در نتیجه مدنی بودن آن را اثبات می‌کند. همچنین در مطالب پایانی به تاریخ‌گذاری این سوره پرداخته شده است.

۱. سوره عادیات در روایات ترتیب نزول

به‌طور کلی روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن در دو بخش مکی و مدنی بازگو شده‌اند. این روایات که بیشتر از صحابه و تابعین نقل می‌شوند، در نیل به تاریخ‌گذاری یا تعیین محدوده زمان نزول سوره‌ها قابل بررسی هستند. بر اساس این روایات، بیشتر سوره‌های قرآن، بدون هیچ اختلاف و مخالفتی، مکی، و شماری دیگر مدنی قلمداد شده‌اند. در این بین، سوره‌هایی نیز به چشم می‌آیند که زیرمجموعه سوره‌های اختلافی قرآن قرار می‌گیرند. سوره عادیات در دسته سوم قرار دارد. شماری از این روایات، عادیات را مکی، و پاره‌ای دیگر آن را مدنی می‌دانند. در ادامه هر دو طیف گزارش می‌شوند و آن‌گاه مورد ارزیابی و نقد قرار می‌گیرند.

الف) روایات دلالت‌کننده بر مکی بودن سوره عادیات

شماری از روایات ترتیب نزول بر مکی بودن عادیات دلالت دارند که از راه‌های مختلف انتقال و انعکاس یافته‌اند؛ همچون روایت عطاء از ابن عباس (ابن ضریس، ۳۳)، روایت واقد (شهرستانی، ۱۲۸/۱)، روایت ضحاک و ابوشیبه که از عطاء و در انتها به ابن عباس ختم می‌شود (ماوردی، ۳۰۹/۶) و روایت مجاهد (ابن الندیم، ۲۸/۱) و زهری از محمدبن بشیر (همان، ۴۲) و روایت عکرمه (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۶۰/۱). این روایات نزول سوره عادیات را بین دو سوره عصر و کوثر گزارش می‌کنند. همچنین دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که نزول سوره عادیات را میان دو سوره قدر و قارعه قرار داده است (ابن طاووس، سعد السعود، ۲۸۲).

ب) روایات دلالت‌کننده بر مدنی بودن سوره عادیات

مدلول برخی روایات حکایتگر آن است که نزول سوره عادیات در مدینه و حدّ واسط سوره‌های واقعه و معوذتین بوده است؛ مثل روایتی که از ابن عباس از طریق ابوصالح (یعقوبی، ۴۳/۲) و روایتی که از مقاتل گزارش می‌شود (شهرستانی،

۱۳۱/۱). همچنین روایت دیگری از مقاتل وجود دارد که جایگاه این سوره را بین دو سوره نصر و فلق بیان کرده است (همان). ضحاک نیز بر سبیل مدنی بودن این سوره گام برداشته است (طوسی، التبیان، ۳۹۵/۱۰).

ج) ارزیابی روایات ترتیب نزول سوره عادیات

با مقایسه این دودسته از روایات، مهم‌ترین اشکال و چالشی که رخ می‌نمایاند، در دو محور سندی و متنی است که به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱. اضطراب سندی این روایات

گرچه روایاتی که بر مکی بودن عادیات دلالت دارند، به لحاظ تعدد نقل، از روایات مدنی بودن آن بیشتر به چشم می‌آیند، اما سند این روایات، نسبت به سند روایاتی که عادیات را مدنی معرفی می‌کنند، مضطرب و متعارض‌اند؛ به طوری که از یک صحابه، دو گونه متفاوت نقل می‌شود: مثل روایات ابن عباس که گاه بر مدنی بودن و گاه بر مکی بودن عادیات دلالت دارد. این امر به لحاظ مسائل رجال‌شناسانه، حاکی از آن است که از وی دو گونه متفاوت نقل قول شده است، از این رو این احتمال دور از ذهن نیست که یکی از تابعین در انتقال این روایات دچار اشتباه شده یا همه آنها در موضع و موقعیتی غیر همسان از ابن عباس گزارش می‌کنند.

۲. تعارض دلالتی این روایات

افزون بر اضطراب سندی این روایات با یکدیگر، به طور طبیعی به لحاظ متنی نیز مدلول آنها با اصطکاک درونی همراه است. بدین سان علاوه بر دوگانگی نقل روایی از ابن عباس، روایت تابعینی نظیر مقاتل که بر مدنی بودن این سوره استوار است، با روایت دیگری که از خود وی و تابعی دیگر مانند عطاء که مکی بودن عادیات را بیان داشته، با هم منافات دارند. همچنین روایات افرادی همچون مجاهد، عکرمة، حسن و عطاء که بر مکی بودن این سوره گواهی می‌دهند، با روایت تابعی دیگر به نام ضحاک که بر مدنی بودن این سوره نظر می‌دهد، هماهنگ نیست.



جمع‌بندی روایات ترتیب نزول سوره عادیات

آنچه در مقام نتیجه‌گیری از روایات ترتیب نزول سوره عادیات بایسته ذکر می‌باشد - گرچه عالمان و مفسران قرآن کریم بر طبق این روایات، بر مکی یا مدنی بودن سوره عادیات نظر داده‌اند - این است که تاریخ‌گذاری این سوره با چالش‌ها و مشکلاتی نظیر ضعف و اضطراب سندی روبه‌رو است. گفتنی است گرچه روایات مکی بودن عادیات به‌مراتب اندکی بیشتر از روایات مدنی بودن آن بازگو شده، اما از آنجایی که تمامی این اختلافات از یک نفر - ابن عباس - منبعث می‌شود، برگزیدن یکی از اقوال بر دیگری را با دشواری همراه می‌سازد. طبیعی است برآیند این روند، خواسته یا ناخواسته، موجب بروز اختلاف در اقوال و آرای تابعین و طبقات بعدی خواهد شد. از سوی دیگر، تعارض دلالتی این روایات با یکدیگر و عدم معاضدت قراین مفصله، از جمله مقولاتی است که بر ضعف رجحان یکی از اقوال دلالت می‌کند. با این حال، جهت تاریخ‌گذاری این سوره، نیازمند واکاوی سایر قراین و مؤیدات خارجی از جمله روایات اسباب نزول می‌باشیم. از این‌رو در ادامه به روایاتی که در منابع فریقین در ذیل سوره عادیات گزارش شده، پرداخته می‌شود.

۲. سوره عادیات در روایات سبب نزول

روایات سبب نزول بخشی دیگر از آثار نقلی به‌شمار می‌آیند که الهام‌بخش شناسایی مکی یا مدنی بودن یک سوره می‌باشند. از این‌رو روایاتی که در خصوص سبب نزول سوره عادیات گزارش شده‌اند (همانند روایات ترتیب نزول)، به‌طور کلی به دو دسته قابل تقسیم‌اند. پاره‌ای از آنها از ناحیه اهل تسنن بازگو شده‌اند که حکایتگر مکی بودن این سوره هستند، و شماری دیگر توسط منابع امامیه و برخی از مآخذ اهل سنت انعکاس یافته‌اند که بیانگر مدنی بودن سوره عادیات خواهند بود. در ادامه به این روایات پرداخته شده و سپس مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند.

الف) مکی بودن سوره عادیات از منظر روایات سبب نزول

روایات سبب نزولی که مورد استناد قرار می‌گیرند، سوره عادیات را در شمار سوره‌های مکی قرار می‌دهند. در این راستا دو روایت هم مضمون و به اعتباری یک روایت به چشم می‌آید.

یکم: روایت ابن مسعود از طریق مجاهد: مجاهد نقل می‌کند در مورد کلام خداوند سبحان ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ پرسیدم؟ ابن مسعود گفت آن در مورد حج است (طبری، جامع البیان، ۱۷۷/۳۰).

دوم: روایت ابن عباس از طریق سعید بن جبیر: ابن عباس می‌گوید: من درحالی که در حجر اسماعیل در کنار کعبه نشسته بودم، مردی آمد و درباره آیه ﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ از من سؤال کرد، به او گفتم: سپاهیان هستند؛ آن‌گاه که در راه خدا هجوم می‌برند و شبانگاه به محل استراحت بازمی‌گردند، آن‌گاه برای خود غذا درست می‌کنند و آتش برمی‌افروزند. آن مرد از من دور شد و به سراغ علی بن ابی طالب علیه السلام رفت، درحالی که در کنار زمزم بود و از همین آیه از آن جناب سؤال کرد. ایشان از آن مرد پرسید: آیا قبل از من از کسی درباره این آیه پرسیده‌ای؟ عرض کرد: آری، از ابن عباس پرسیده‌ام. او گفت: منظور اسبانی هستند که در راه جهاد حمله می‌کنند، فرمود: برو و او را صدا کن نزد من بیاید. هنگامی که او (ابن عباس) خدمت علی علیه السلام آمد، فرمود: چرا مردم را به چیزی که نمی‌دانی، نظر می‌دهی؟ اولین غزوه در اسلام جنگ بدر بود و ما تنها دو اسب داشتیم: اسبی از زبیر و دیگری از مقداد؛ چگونه عادیات به این معناست؟! بلکه مقصود شترانی است که از عرفات به مشعر و از آنجا به منا می‌روند. ابن عباس می‌گوید این را که شنیدم، به آنچه علی علیه السلام گفته بود، بازگشتم (طبری، جامع البیان، ۱۷۶/۳۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ۳۸۳/۶؛ حویزی، ۶۵۶/۵).

ارزیابی و نقد روایات مکی بودن عادیات

آشکار است که روایت نخست به مسائل مرتبط با حج اشاره دارد. اما آنچه از روایت دوم برمی‌آید و به مثابه مؤید طرفداران مکی بودن عادیات تلقی می‌گردد، از



تعبیر پایانی این روایت الهام می‌گیرد. آنچه از ملاحظه کتب تفسیری فریقین به چشم می‌آید، این است که اغلب مفسرانی که سوره عادیات را مکی می‌دانند، در آغاز تفسیر این سوره به روایت دوم اشاره کرده‌اند. نتیجه این سخن در فرآیندی مرتبط با روایت اول، حکایتگر این امر است که مناسک حج در سرزمین مکه برگزار می‌شود. طبعاً مدلول این دو روایت، بر مکی بودن این سوره نظارت دارند. با این همه، نقاط ضعف سندی و دلالتی این روایات را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. تناقض دو روایت ابن عباس با یکدیگر

به‌رغم اینکه سند این دو روایت به‌واسطه وجود اشخاصی همانند ابن مسعود و مجاهد و همچنین سعید بن جبیر و ابن عباس، از طریق روایی مناسبی برخوردار است، ولی روایت ابن عباس از طریق سعید بن جبیر با روایت خود وی، به‌واسطه عکرمه که بر مدنی بودن این سوره اشعار دارد (رک: واحدی، ۴۸۹؛ سمرقندی، ۶۰۸/۳)، در تناقض است. این امر بیانگر آن است که از یک نفر - ابن عباس - دو روایت متعارض گزارش شده است.

۲. عدم تصریح روایات بر مکی بودن عادیات

با اغماض و انصراف از بررسی سندی، چالشی که به لحاظ محتوایی بر روایت دوم وارد می‌شود، این است که مدلول این روایت لزوماً بر مکی بودن این سوره استقرار ندارد؛ گرچه در صورت اتخاذ و اعتبار معیار مکانی در تقسیم مکی و مدنی، می‌توان به آن تمسک نمود. چه، اگر مقصود از «عادیات»، اسب‌های حاجیان در مراسم حج به دوران پیش از هجرت باشد، به این انگاره نباید وقعی نهاد؛ زیرا گزارش مسلمی از حج گزاردن مسلمانان در سیزده سال بعثت و قبل از هجرت در اختیار نیست و نفس اسب مشرکان در آن دوره، چنان درخور اهمیت نیست که خداوند به آنها سوگند یاد کند.^۱ اما اگر مراد از عادیات، حج گزاران مسلمان در سال‌های پایانی عمر شریف رسول اکرم ﷺ باشد، بنا بر دیدگاه دانش‌پژوهان علوم قرآن، می‌بایست این سوره را از شمار سوره‌های مدنی به‌حساب آورد.

وانگهی، از آن جهت که در تقسیم آیات و سوره‌ها به مکی و مدنی، معیار زمان از اعتبار و قائلان بیشتری برخوردار است (سیوطی، الاتقان، ۵۵/۱؛ زرکشی، ۲۷۴/۱؛ زرقانی، ۱۹۴/۱؛ صبحی صالح، ۱۶۸؛ حجتی، ۷۵؛ رامیار، ۶۰۱) و متعاقب آن آیات و سوره‌هایی را که در ارتباط با حوادث پس از هجرت در مکه یا پیرامون آن به وقوع پیوسته است - همانند آیات مربوط به فتح مکه (حدید/۱۰، صف/۱۳، نصر/۱-۳)، آیه اکمال (مائده/۳) و سوره فتح (در خصوص صلح حدیبیه) - غالباً مدنی به حساب می‌آورند، می‌توان به این نتیجه نایل شد که منافات ندارد این سوره در دوران مدینه نازل شده باشد، اما با مراسمی در سرزمین مکه مرتبط باشد.

از سوی دیگر سخن امام علی علیه السلام به لحاظ تقدّم و تأخر رتبی کلام، به خلاصه و عصاره‌ای از جنگ بدر و وضعیت نامناسب مسلمانان از جهت عدّه و غده نظارت دارد که نشان می‌دهد این سوره پس از جنگ بدر نازل شده است؛ چرا که واقعه‌ای باید رخ داده باشد تا از آن خبر داده شود و در متن روایت مذکور، در ابتدا وضعیت جنگ بدر گزارش و نفی می‌شود و سپس به قرینه قائلین مکی بودن این سوره اشاره می‌شود. از این رو این مطلب حاکی از آن است که می‌بایست این سوره بعد از جنگ بدر نازل شده باشد، همچنان که جنگ بدر در سال دوم هجرت رخ داده است (طبری، تاریخ طبری، ۴۲۱/۲؛ یعقوبی، ۴۵/۲؛ ابن اثیر، ۱۱۶/۲).

۳. ناسازگاری این روایات با مضمون سوره عادیات

بر اساس روایات پرشماری که از معصومان علیهم السلام منقول است و در اعتبار آنها هیچ‌گونه تردیدی بین محدثان بزرگ فریقین وجود ندارد، اعتبار و میزان ارزش‌گذاری روایات، مستلزم تأیید قرآن کریم است، بدین جهت تمامی روایات برای صحت و سقم سره از ناسره می‌بایست به قرآن کریم عرضه شوند و در صورت تأیید و موافقت با قرآن کریم، مأخوذ و مجرای عمل قرار می‌گیرند (برقی، ۲۲۶/۱؛ حمیری، ۹۲؛ کلینی، ۶۹/۱؛ صدوق، امالی، ۳۶۷؛ مفید، رساله المهر، ۳۰؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۷۵/۷). با این همه، هر یک از این روایات اسباب نزول - مبنی بر مکی بودن این سوره - بر فضای غالب این سوره عرضه شوند، به‌مثابه عدم سازگاری مدلول این روایات با سیمای کلی این سوره خواهند بود. بدین‌سان روایتی که در



حکم سبب نزول آیه‌ای وارد شده باشد و در صورتی که سند آن متواتر یا خبر قطعی الصدور نباشد، باید به آیه و سوره مورد بحث عرضه شود و در صورتی که مضمون آیات و قراین پیوسته و گسسته با آن روایت سازگار بود، می‌توان به آن روایت که به‌عنوان سبب نزول آن آیه یا سوره محسوب می‌شود، اعتماد کرد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۷۶). بر این اساس، قصه و گزارش‌هایی را باید سبب نزول آیات تلقی کرد که در خود آیات، بدان تصریح یا اشاره قوی شده باشد، و گر نه صرف وجود گزاره‌ای در ذیل آیات، نمی‌توان آن را سبب نزول آن آیه و یا سوره دانست؛ هرچند با عبارت «فنزلت الآیه» و مانند آن همراه باشد (نکونام، ۱۶۳). با این حال به نظر می‌رسد عبارات پایانی امام علی علیه السلام در حدیث نقل شده، علاوه بر اشاره به سبب نزول سوره، در مقام بیان مصداق و تفسیر آیه نیز باشد.

از سوی دیگر، نخستین آیه‌ای که به مسلمانان دستور حج گزاردن می‌دهد، در سوره‌های مدنی قرار دارد (بقره/۲۰۴-۱۹۶؛ آل عمران/۹۶-۹۷؛ حج/۲۷-۳۷). در نتیجه این احتمال دور از ذهن نیست که دست جاعلان حدیث به بخش دوم روایت راه یافته باشد تا در مجموع یکی از فضایل علی علیه السلام را با ساختن و انتساب به خود حضرت کتمان سازند.

ب) مدنی بودن سوره عادیات از منظر روایات سبب نزول

پاره‌ای از روایات سبب نزول بیانگر مدنی بودن این سوره قلمداد می‌شوند. این روایات که به‌طور کلی در سه مورد خلاصه می‌شوند، عبارت‌اند:

یکم: روایت عکرمه از ابن عباس: منقول است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله سپاهی را برای مقابله با دشمنان اسلام گسیل داشته بود و از این لشکر چندین ماه خبری نشد، تا اینکه خداوند سوره مذکور را نازل کرد (واحدی، ۴۸۹؛ سمرقندی، ۶۰۸/۳؛ آلوسی، ۴۴۱/۱۵).

دوم: روایت مقاتل: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سربهای به سرکردگی منذر بن عمرو انصاری به‌سوی طایفه‌ای از کنانه گسیل داشته بود و دیری نگذشت و از آنها خبری نشد و منافقان گفتند: تمامی آنان کشته شده‌اند. خداوند با فرستادن این سوره،

پیامبر را از حال آنها باخبر ساخت (واحدی، ۴۸۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ۸۰۲/۱۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ۳۸۳/۶).

سوم: روایت امام صادق علیه السلام: هنگامی که پیغمبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به جنگ ذات‌السلاسل فرستاد، او شمار زیادی از آنان (افراد دشمن) را کشت. این در حالی بود که برخی از صحابه را پیش‌تر چندین بار فرستاده بود، ولی با شکست برگشته بودند. این مطلب در حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام نقل شده است. همچنین آن حضرت افزودند: آن جنگ را از آن‌رو غزوه ذات‌السلاسل نامیده‌اند که جمعی از سپاهیان دشمن کشته و عده‌ای دیگر نیز اسیر شدند، و اسیران را محکم با طناب‌هایی زنجیروار بستند و زمانی که این سوره نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان مردم آمده و نماز صبح را به جماعت خواندند و در آن نماز، سوره عادیات را تلاوت کردند و چون نماز به پایان رسید، اصحاب گفتند ما این سوره را نمی‌شناسیم، رسول خدا فرمود، آری، علی بر دشمنان خدا پیروز شد و جبرئیل دیشب مژده این پیروزی را به من داد. پس از چندین روز، علی علیه السلام همراه غنایم جنگی و اسیران به مدینه بازگشت (طبرسی، مجمع البیان، ۸۰۳/۱۰؛ حویزی، ۶۵۲/۵).

ارزیابی روایات مدنی بودن عادیات

آنچه در مورد روایات این بخش به نظر می‌رسد، گرچه سند روایت اول و دوم درخور اعتبار و اعتنا هستند، ولی همان‌گونه که بیان شد، به لحاظ سندی با روایات بخش نخست در تعارض است. از این‌رو رجحان یکی بر دیگری از سنخ ترجیح بلامرجح است. اما آنچه در مورد روایت سوم بایسته بیان است، گرچه این روایت در ابتدای امر به‌صورت منقطع نقل می‌شود، اما با کمی تتبع در منابع حدیثی و تفسیری امامیه که پیش از طبرسی هستند و از حیث سندی تا امام صادق علیه السلام طریقی مذکور است و از جنبه محتوایی نیز متن کامل این روایت و چگونگی رخداد این واقعه به‌صورت کاملاً مفصل گزارش می‌شود، می‌توان به این نتیجه رسید که تمامی این شواهد، مؤید و تصدیق‌کننده سبب نزول این سوره هستند^۲ (برای گزارش این حادثه رک: قمی، ۴۳۴/۲؛ کوفی، ۵۹۹؛ مفید، الارشاد، ۱/۱۶۵؛



طوسی، امالی، ۴۰۷؛ دیلمی، ۲۴۶/۲؛ اربلی، ۲۳۰/۱؛ راوندی، ۱۶۸/۱؛ استرآبادی، ۸۱۰؛ عروسی حویزی، ۶۵۲/۵؛ فیض کاشانی، الصافی، ۳۶۵/۵.

۱. سازگاری دلالتی روایات مدنی بودن عادیات با یکدیگر

از جانبی دیگر، محتوا و مدلول سه روایتی که حکایتگر مدنی بودن این سوره محسوب می‌شوند، با یکدیگر منافاتی ندارند؛ چرا که مفاد آنها به یکی از جنگ‌های سپاهیان اسلام بدون حضور پیامبر ﷺ ناظر است که مدت آن به طول انجامید و از آن گروه اعزامی، پیامی به رسول اکرم و سایر مسلمانان نرسید و خداوند سبحان با نزول این سوره، مژده موفقیت آنان را به پیامبر اکرم ابلاغ می‌کند. در نتیجه هر سه روایت، به مدنی بودن این سوره اشاره داشته و پذیرش مکی بودن آن را با چالش جدی مواجه می‌سازد. با این حال با عنایت به تمامی اشکالاتی که بر روایات مکی بودن سوره عادیات مستقر است، هیچ امتناعی وجود ندارد که سوره عادیات از شمار سوره‌های مدنی محسوب شده و واژه عادیات نیز وصفی برای اسبان قلمداد شود و به اسبان تیزرو و جنگی صادق باشد؛ همان‌گونه که برخی از مفسران و لغویان نیز این معنا را اظهار داشته‌اند (قرطبی، ۱۵۳/۲۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ۸۰۳/۱۰؛ همو، جوامع الجامع، ۵۲۵/۴؛ زمخشری، ۷۸۶/۴؛ بیضاوی، ۳۳۱/۵؛ سیوطی، الدر المنثور، ۳۸۳/۶؛ ابن هائم، ۳۴۹/۱؛ درویش، ۵۵۲/۱۰؛ شاذلی، ۳۹۵۸/۶).

۲. نزول سوره عادیات در فضیلت علی علیه السلام

شواهد و قراین دیگری نیز در منابع روایی امامیه به آن اشاره شده که بر قوت مدنی بودن این سوره از یک سو و سازگاری و همسویی محتوایی با روایت سوم از سوی دیگر دلالت دارد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هر کس سوره عادیات را بخواند و بر تلاوت آن مداومت نماید، خداوند او را در روز قیامت با نیکان، خصوصاً امیرمؤمنان علیه السلام برمی‌انگیزاند و در کنار آن حضرت و از همنشینان او خواهد بود» (صدوق، ثواب الاعمال، ۱۲۵؛ بحرانی، البرهان، ۷۳۱/۵).

در این راستا، در دعاهای مأثور و زیاراتی که از ائمه علیهم السلام در شأن علی علیه السلام بازگو می‌شود، سوره عادیات را در فضیلت و منقبت ایشان معرفی می‌کنند؛ «درود

بر کسی که سوره عادیات در فضیلت او نازل شده است» (ابن المشهدی، ۲۰۸؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ۱۳۲/۳؛ مجلسی، زاد المعاد، ۲۶۶ و ۴۷۸؛ همو، بحار الأنوار، ۳۷۴/۹۷).

هرچند برخی افزوده‌اند آیات نخستین این سوره به واقعه خاصی اشاره ندارد و روایات ذیل این سوره بیشتر در حکم انطباق است (طالقانی، ۲۲۶/۴)، اما در پاسخ باید گفته شود این تشکیک، ناتمام و ناکارآمد است؛ زیرا تمامی شواهد مندرج در این سوره - که در بخش بعدی خواهد آمد - بیانگر آن است که این ماجرا مربوط به قضیه شخصیه و حقیقه است (طیب، ۲۰۲/۱۴). از سوی دیگر، عام بودن مفهوم و مفاد آیات، منافاتی با نزول آن در موردی خاص ندارد، از این رو گرچه ممکن است بسیاری از آیات قرآن مفهوم عام و گسترده‌ای داشته باشند، ولی سبب نزول که مصداق اتمّ و اکمل آن است، موردی خاص باشد، بدین جهت نمی‌توان عمومیت مفهوم آیات را دلیل بر نفی شأن نزول یا سبب نزول آن به حساب آورد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۴۵/۲۵). از همین رو اگر روایتی با سلسله سند از یکی از معصومان گزارش شود و مدلول آن با مضمون سوره، همسو و هم‌داستان بوده و قرائن پیوسته و گسسته نیز با زمینه نزول آن سوره هماهنگ و سازگار باشد، در حکم سبب نزول آن قرار خواهد گرفت (حیدری‌فر، ۴۷). با این همه، استنکافی وجود ندارد که این روایت در حکم سبب نزول یا شأن نزول این سوره به‌شمار آید؛ همان‌گونه که پاره‌ای از روایات رسیده از معصومان علیهم‌السلام در ذیل برخی آیات، مؤید و گواه این امر است (قمی، ۳۲۰/۲؛ عیاشی، ۷۰/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۶۶۷/۲؛ قمی مشهدی، ۱۱۶/۳؛ بحرانی، ۳۱۳/۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ۳۴۰/۲۱).

۳. ضوابط و خصایص شناخت سوره‌های مکی و مدنی

پژوهشگران علوم قرآن برای شناسایی و تشخیص مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، علاوه بر طریق سماعی - که بخش‌های پیشین این نوشتار عهده‌دار آن بود - طرقی را نیز به‌صورت قیاسی و اجتهادی وضع کرده‌اند. گرچه شناسایی بیشتر سوره‌های قرآن به‌واسطه این ملاک‌ها سزاوار اعتنا هستند، ولی به جهت نارسایی در تعیین



برخی از سوره‌های اختلافی، از شمولیت و جامعیت لازم برخوردار نبوده و برای صدور یک حکم قطعی، شواهد و مؤیدات درون‌متنی و بینامتنی و برون‌متنی قوی‌تری را اقتضا می‌کنند. از این رو در صورت اجتماع چندین ویژگی اگر موجب علم و یقین شوند و نص معارضی در میان نباشد، قابل اعتماد خواهند بود و موجب قوت احتمال و اطمینان می‌شود که کاربرد فقهی، تاریخی، کلامی و ... دارند (معرفت، تاریخ قرآن، ۵۱). در این بخش، سوره عادیات بدین اعتبار نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) ضوابط سوره‌های مکی و مدنی

مراد از ضوابط در این علم، موارد و متعلقاتی است که به خصوصیات الفاظ وابسته است (اقبال، ۷۶). این موارد خود به دودسته ضوابط سوره‌های مکی و مدنی تقسیم می‌شوند.

یکم: ضوابط سوره‌های مکی

با تطبیق و انطباق بسیاری از این ضوابط بر سوره عادیات، این سوره از شمار مکی بودن خارج می‌شود؛ مانند عدم آغاز سوره با حروف مقطعه، عدم وجود حرف «کلا»، نداشتن سجده واجب (سیوطی، الاتقان، ۸۲/۱)، عدم وجود داستان آدم و ابلیس، عدم وجود «یا ایها الناس» در آیات این سوره، عدم ذکر داستان انبیا و اُمّت‌های پیشین (زرکشی، ۲۷۵/۱). گرچه می‌توان گفت بر اساس برخی از ضوابط دیگر، مکی بودن این سوره به دست می‌آید؛ مانند قرار گرفتن سوره در دسته سوره‌های مفضلات (زرقانی، ۱۹۷/۱)، اما از آنجایی که ضابطه اخیر از قاعده معینی پیروی نمی‌کند، نمی‌توان صرفاً به واسطه این ضابطه، لزوماً بر مکی بودن عادیات حکم کرد، چه اینکه این ضابطه به سوره ناس پایان می‌پذیرد، اما در مورد آغاز آن، نظرات مختلفی وجود دارد. سیوطی در این خصوص دوازده نظریه را گزارش می‌کند که بنا بر نظر دهم، سرآغاز این دسته با سوره انسان و بر اساس برخی گزارش‌های دیگر، سوره اعلی و بنا به نقلی دیگر، سوره ضحی است (الاتقان، ۲۲۴/۱) و زرکشی، حجرات را سرآغاز آن معرفی می‌کند (زرکشی، ۳۴۲/۱).

دوم: ضوابط سوره‌های مدنی

در مقابل ضوابطی نیز برای شناسایی مدنی بودن سوره‌های قرآن بیان شده است؛ مانند هر سوره‌ای که در آن فرمان جهاد و احکام آن بیان شده باشد (زرقانی، ۱۹۱/۱)، سوره‌هایی که در آن «یا ایها الذین آمنوا» آمده است (زرکشی، ۲۷۷/۱)، سوره‌ای که در آن ذکری از منافقان شده باشد، به جز عنکبوت (سیوطی، الاتقان، ۸۲/۱)، هر سوره‌ای که در آن فریضه (واجب) و سنت (مستحب) آمده است (زرکشی، ۲۷۵/۱؛ سیوطی، الاتقان، ۸۲/۱).

بر اساس معنای لغوی واژگان این سوره - که در بخش بعدی خواهد آمد - می‌توان گفت گرچه آیات آغازین سوره عادیات ناظر به مسأله جنگ و جهاد است، اما سایر ضوابط در این سوره به کار نرفته است. از این رو منافاتی ندارد که این سوره مدنی باشد و تنها با یک ضابطه شاخص آن مطابقت کند. چه بسا در سوره‌های مدنی یا مکی، ضابطه‌ای حکمفرما نباشد و یا حداقل با یکی از آنها ارتباط یا انطباق برقرار کند. در نتیجه با توجه به ضوابط سوره‌های دسته نخست، مکی بودن عادیات به دست نمی‌آید و با عنایت به ضوابط دسته دوم، موافق بودن با سوره‌های مدنی و حداقل، عدم منافات با این دسته خودنمایی می‌کند.

ب) خصایص سوره‌های مکی و مدنی

علاوه بر ضوابط مذکور در منابع علوم قرآن، خصوصیات نیز مورد توجه پژوهشگران اسلامی قرار گرفته است. به‌رغم قرار گرفتن موارد استثنایی در تشخیص سوره‌های مکی و مدنی، اصراری بر التزام بر یک خصوصیت به‌طور خاص وجود ندارد؛ زیرا بسیاری از این ویژگی‌ها، اموری شایع و پرکاربرد هستند و موارد استثنایی آنها به‌مراتب بیشتر از ضوابط هستند. مراد از خصایص، اموری قلمداد می‌شوند که به ویژگی‌های اسلوب و معنا ارتباط داشته (اقبال، ۸۶) و در دو بخش اسلوبی و موضوعی قابل تقسیم‌اند.



یکم: خصایص اسلوبی سوره‌های مکی

در سوره‌های مکی اسلوب تأکید و الفاظ تثبیت معنا و فواصل بسیار است (زرکشی، ۱۶۸/۱)، غالباً آیه‌ها و سوره‌های کوتاه‌تر به‌کار رفته‌اند (زرقانی، ۱۹۶/۱). هرچند این خصوصیات در سوره‌های مکی زیادی وجود دارد، اما همان‌گونه که بیان گردید، موارد استثنایی آن اندک نیست و سوره‌های مکی یافت می‌شود که فاقد این خصوصیت هستند. به‌عنوان مثال در سوره اعراف با تمام طولانی بودنش (۲۰۶ آیه)، یک اسلوب قسم هم وجود ندارد. سایر ابزار تأکید نیز بیشتر از سوره‌های مدنی نیست.^۳ این خصوصیت در سوره یونس هم یافت می‌شود، به‌رغم اینکه در این سوره نیز یک اسلوب قسم هم به‌کار نرفته، اما تنها با یک تشبیه صریح در این سوره روبه‌رو هستیم (آیه ۲۴). با این حال با همه کوتاهی آیه‌های سوره عادیات، نمی‌توان صرفاً بر اساس این وجه ممیزه، به مکی بودن عادیات حکم کرد. این احتمال می‌رود کوتاهی آیات این سوره از آن جهت باشد که لازمه واقعه‌گویی و نقل ماجرا، مخصوصاً با رویکرد حماسی و رزمی، اقتضا می‌کند که گوینده در جملات خود از ابزار و هنرهایی نظیر افزایش و کاهش وزن و موسیقایی کلام، لحن تند و آرام، کوتاهی جملات، تأکیدات پی‌درپی و ... استفاده کند که تمامی این عوامل در منفعل و منقلب ساختن روحیه مخاطب تأثیری بسزا می‌نهد. از همین رو برای اثبات مکی بودن این سوره، به اجتماع قراین بیشتری نیازمند است تا موجب علم و قوت احتمال شود. در نتیجه بر اساس این خصوصیات، لزوماً مکی بودن عادیات به دست نمی‌آید؛ هرچند که برخی از این خصایص بر این سوره قابل تطبیق‌اند.

دوم: خصایص موضوعی سوره‌های مکی

از جمله ویژگی بارز موضوعات سوره‌های مکی آن است که غالباً عادات و رسوم ناپسند را مطرح می‌کنند، به اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی فرا می‌خوانند، بر بنیان‌های اعتقادی تأکید می‌ورزند، داستان انبیا و اخبار امت‌های پیشین را بازگو می‌کنند (زرقانی، ۱۹۶/۱-۱۹۰).

آنچه از ظاهر آیات این سوره به دست می‌آید، توضیحی پیرامون عادات زشتی چون قتل، زنده‌به‌گور کردن دختران، آبروریزی و مال یتیم خواری مشهود نیست، همان طور که پیرامون اصول و حقوق اجتماعی سخنی مطرح نگردیده است. هرچند در آیات پایانی این سوره (۹-۱۱) به صورت اجمال، مسأله رستاخیز مورد اشاره قرار می‌گیرد، اما آن‌گونه که در سوره‌های مکی این مسأله با بسط چشمگیری روبه‌رو است، در این سوره مورد عنایت نبوده است. از این رو وقوع این امر در سوره‌های مدنی، دلیل دیگری است که لزوماً مکی بودن عادیات را به دست نمی‌دهد (همانند قرار گرفتن این مطالب در آیات سوره‌های بقره/۴، ۲۵۹، آل عمران/۲۵، نساء/۸۷، احزاب/۶۳، مجادله/۶، زلزال/۶۱). داستان پیامبران پیشین و امت‌های گذشته نیز در این سوره بازگو نشده است، اما در برخی از سوره‌های مدنی (مانند بقره و آل عمران) به‌کار گرفته شده‌اند. در نتیجه با تطبیق و انطباق این خصایص بر سوره عادیات، می‌توان آن را از زیرمجموعه مکی بودن خارج ساخت.

سوم: خصایص اسلوبی سوره‌های مدنی

عمدتاً سوره‌ها و آیه‌های مدنی، طولانی به‌کار رفته‌اند (حسین احمد، ۱۹۷/۱). سوره‌های مدنی با رویکردی استدلالی در رویارویی با اهل کتاب خودنمایی می‌کنند و همچنین چهره منافقان را تحقیر و مقاصد پلیدشان را رسوا می‌سازد (همان). گرچه سوره‌های پایانی قرآن کریم به لحاظ اندازه و تعداد، به صورت خیلی کوتاه اما متعدد قرار گرفته‌اند، اما این مطلب منافاتی با مدنی بودن عادیات ندارد؛ چرا که در انتهای قرآن کریم، سوره‌هایی وجود دارند که به‌رغم اینکه آیات آن طولانی نیستند، ولی از شمار سوره‌های مدنی محسوب می‌شوند؛ همانند نصر، و قرار گرفتن دو سوره مدنی بینه و زلزال قبل از عادیات، بر این احتمال می‌افزاید.^۴ از سوی دیگر، عدم ذکر مواجهه با اهل کتاب و افشاسازی نیرنگ‌های منافقان، از آن رو است که اساساً این افراد در این سوره مورد خطاب و هدف نیستند. نبود این اسلوب در سوره‌های مدنی دیگر همانند حجرات، تغابن، طلاق، تحریم و زلزال، خود دلیلی بر عدم مدنی بودن سوره عادیات نخواهد بود.



چهارم: خصایص موضوعی سوره‌های مدنی

در سوره‌های مدنی جزئیات تشریح و تفصیل احکام و قوانین مدنی، اجتماعی، خانوادگی و حقوق شخصی مطرح می‌شود (زرقانی، ۱۹۷/۱). این معنا بدون تردید در سوره‌های مدنی بسیاری واقع شده، اما اینکه در هر سوره مدنی این موضوع صادق باشد، قابل اثبات نیست. در سوره‌های مدنی چون الرحمن، بینه، زلزال و نصر، این ضابطه و خصیصه صدق نمی‌کند.

در این سوره‌ها، تشریح مسأله جهاد از یک‌سو و فلسفه و احکام آن از سوی دیگر بیان می‌گردد (زرقانی، ۱۹۷/۱؛ صبحی صالح، ۱۸۴). این معنا با نظر به معنای واژگان و مضامین آیات سوره عادیات در فرآیندی همسو با روایت صادر شده از امام صادق علیه السلام - که آن را ناظر به مسأله پیکار مسلمانان با کفار در جنگ ذات السلاسل می‌داند - قابل صدق است.

۴. محتوا و مضامین سوره عادیات

گفتنی است هدف از واکاوی این بخش، همسو انگاری روایات سبب نزول دسته دوم با فضای غالب بر این سوره است. بدین ترتیب، سیمای کلی آیات این سوره گواه بر این امر هستند که سوره عادیات همچون دیگر سوره‌های قرآن کریم، دارای نظم و وزن خاصی است. اسلوب و طرز بیان آیات این سوره از یک‌سو، و تناظر و ارتباط یکایک آیات آن با هم از سوی دیگر، تأییدی بر پیوستگی و هم‌پیوندی آنها با هم است؛ به طوری که وحدت سیاق و چهره یکپارچه آن، در برخوردهایی سریع و حرکت‌آفرینی جریان دارد و بر اثر پرش و جهش، و دویدن همراه با چابکی و سرعت، از یکی به دیگری منتقل می‌گردد تا اینکه به آخر آیاتش می‌رسد که در آن، لفظ، سایه، موضوع و ایقاعات، به کلی متوقف می‌گردند؛ همان‌گونه که دونده به پایان حرکت خود می‌رسد. در آخر آیات نیز غبار برانگیخته‌شده و سرکشی و پراکندگی، جملگی به پایان خود می‌رسند (شاذلی، ۳۹۵۷/۶).

آنچه از مضامین آیات آغازین این سوره در فرآیندی همسو با آیات پایانی آن خودنمایی می‌کند، تعدد و تنوع سوگندها به اسب‌هایی است که با سرعت به سوی

میدان نبرد با جدّ و جهد، به تاختن مشغول هستند. آهنگ و وزن موسیقایی این سوره با سوگندهای آن و هردوی اینها با جواب قسم و مطالب پایانی آن، همخوانی و ارتباطی تامّ برقرار کرده است که به دنبال آن، ایقاعات خاص این سوره و ترکیب تند حرکات و کثرت حرکات کشیده در آن، عیناً تصویرگر این صحنه پُرشور و حساس به‌شمار می‌روند (خوش‌منش، ۳۴۱). با این حال، آنچه از فضای حاکم بر این سوره به دست می‌آید، خداوند سبحان در حال ترسیم و به تصویر کشیدن یک صحنه تاریخی با رویکردی جنگی و رزمی است. به‌رغم تفاوت اقوال در روایات ترتیب نزول و سبب نزول عادیات، پیرامون برخی از واژگان این سوره نیز اتفاق نظر مشاهده نمی‌شود (طبری، جامع البیان، ۱۷۶/۳۰؛ سیوطی، جلالین، ۳۸۳/۶). با این حال پس از نقل معنای واژگان از دیدگاه اهل زبان و سپس کاربرد آن در سیاق آیات و همچنین بررسی دیدگاه مفسران، به پیراستن غبار اختلاف از این اقوال پرداخته خواهد شد.

مفهوم شناسی واژگان سوره عادیات

قرآن کریم در نخستین آیات این سوره، سخن از یک حادثه رزمی و صحنه حماسی می‌کند و آن را با قسم‌های پیاپی آغاز نموده و در این باره می‌فرماید:

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾

واژه «عادیات» جمع «عادیه» از ماده «عَدُو» بوده و در اصل به‌معنای گذشتن و جدا شدن است. این امر اگر به‌صورت قلبی و روحی محقق شود، آن را «عداوت» گویند، و اگر به اعتبار کوتاهی نمودن از عدالت و افساد در معامله باشد، آن را «عدوان» می‌نامند، و اگر در حرکت خارجی و راه رفتن ظهور و بروز بیابد، آن را «عدو» (دویدن) گویند (راغب، ۵۵۳). با این همه، می‌توان به این نتیجه رسید که معنای عادیات در این آیه، همان «دویدن با سرعت» است.

اما مقصد و مقصود قرآن کریم از عدم تصریح در خصوص این حیوان دونده را می‌توان با در نظر داشتن پیوستگی آیات این سوره و اوصاف و واژگانی که در ادامه آن بیان شده، به دست آورد. بنابراین از آن جهت که این عمل (دویدن با سرعت)



به‌طور طبیعی برای اسبانی به‌کار می‌رود که در میدان نبرد به پیشتازی مشغول‌اند، به نظر می‌رسد هدف از کاربست واژه «عادیات» در این سوره، اسبان جنگی هستند، نه شتران سواری (فخررازی، ۲۵۹/۳۲؛ طباطبایی، المیزان، ۳۴۵/۲۰) از همین رو تعداد قابل توجهی از مفسران و لغویان، تنها معنای اخیر را برای عادیات ذکر کرده‌اند (فراء، ۲۸۴/۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۲۶/۱۰؛ زمخشری، ۷۸۶/۴؛ بیضاوی، ۳۳۱/۵؛ قرطبی، ۱۵۳/۲۰؛ سیوطی، جلالین، ۶۰۲؛ صافی، ۳۸۸/۳۰؛ درویش، ۵۵۲/۱۰؛ معلوف، ۱۰۹۰/۲؛ دخیل، ۴۹۱/۳؛ سبحانی، مفاهیم القرآن، ۴۲۵/۷).

گرچه شماری از مفسران علاوه بر معنای مزبور، عادیات را در مورد شتران نیز قابل صدق می‌دانند (طبری، جامع البیان، ۱۷۶/۳۰؛ طوسی، التبیان، ۳۹۶/۱۰)، برخی نیز در تعبیری نامتعارف، معنای عادیات را به مراحل پنج‌گانه سلوک نفسانی انسان ناظر دانسته‌اند (مصطفوی، ۷۸/۸)، اما همان‌گونه که بیان شد، پیوستگی و یکپارچگی آیات این سوره از یک سو، اوصاف و الفاظی که غالباً برای اسبان جنگی به‌کار می‌رود از سوی دیگر، و روایاتی که آن را به یک قضیه خارجی جنگی ناظر می‌دانند از سوی سوم، از پذیرش این مطلب امتناع دارد.

واژه «ضبح» به‌معنای مطلق صدا و یا به‌معنای صدایی است که از نفس‌های اسبان برمی‌آید (ابن فارس، ۳۸۵/۳؛ راغب، ۵۰۱). آنچه در میان قاطبه لغت‌پژوهان و مفسران معروف است، این است که این کلمه در خصوص اسبان به‌کار می‌رود و حاکی از همهمه و تنافس اسبان هنگام دویدن است (فراء، ۲۸۴/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۸۰۲/۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۳۷۲/۲۰؛ زمخشری، ۷۸۶/۴؛ سیوطی، الدر المثور، ۳۸۳/۶؛ طریحی، ۲۸۳/۱؛ عاملی، ۴۹۱/۳). در نتیجه می‌توان آیه نخست را این‌گونه معنا کرد: «سوگند به اسبان دونده‌ای که همهمه‌کنان، به‌سوی جنگ می‌تازند».

خداوند متعال در توصیفی دیگر در آیه دوم می‌فرماید: ﴿فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا﴾. واژه «موریات» جمع اسم فاعل از مصدر «ایراء» به‌معنای خارج کردن آتش است و این آتش به جهت ضعف و کم‌فروغ بودنش، به آتش حباب معروف است (فراء، ۲۸۴/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۸۰۲/۱۰).

واژه «قدحاً» به معنای زدن سنگ یا چوب یا آهن و چخماق به یکدیگر برای تولید جرقه است (طریحی، ۴۰/۲؛ مکارم شیرازی، سوگندهای قرآن، ۳۲۲). دلیل اصلی اینکه اسبان عادیات را به «موریات قدحاً» توصیف کرد، بدان خاطر است که اسبان هنگام دویدن، از اصابت نعل‌هایشان به سنگ‌زارهای زمین، جرقه‌هایی را به اطراف می‌جهانند (طباطبایی، المیزان، ۳۴۵/۲۰). معنای آیه دوم می‌شود: «و سوگند به اسبانی که با کوبیدن سُم‌هایشان از سنگ‌ها جرقه برمی‌افروزند».

در امتداد این تصویرگری، در آیه سوم، حتی لحظه وقوع و ظرف زمان این واقعه را سپیده‌دم متذکر می‌شود که حاکی از دشمن‌ستیزی، روح نظامی و بطولت سربازان فداکار این واقعه خواهد بود. از این رو در همین راستا می‌فرماید:

﴿وَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾.

واژه «مغیرات» همان‌گونه که بیشتر مفسران و لغت‌نویسان بیان داشته‌اند، جمع مؤنث اسم فاعل از باب افعال (اغاره) است (صافی، ۳۸۹/۳). «اغاره» و همچنین «غارت» به معنای هجوم بردن بر دشمن و یا سواره‌یورش بردن بر خصم است (فراء، ۲۸۴/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۸۰۴/۱۰؛ زمخشری، ۷۸۷/۴؛ قرطبی، ۱۵۸/۲۱؛ فخر رازی، ۲۶۰/۳۲). در نتیجه این عبارات که ظاهراً و مجازاً صفت خیل قرار گرفته‌اند، صفت سوارگان صاحب خیل محسوب می‌شود (طباطبایی، المیزان، ۳۴۶/۲۰). معنای آیه سوم این‌گونه خواهد بود: «و قسم به اسبانی که در وقت صبح غافلگیرانه بر دشمن حمله می‌کنند».

در سوگندی دیگر حتی به برانگیختن غبارهای معلّق در فضا نیز اشاره می‌کند. این امر نمایانگر اوج اهمیت جهاد و ارزنده بودن عمل جهادگران است که قرآن کریم، حتی مسائل کوچک جهاد را که به خاطر گسترش و احیای کلمه توحید نثار و ایثار می‌شود، مورد عنایت قرار داده است (مکارم شیرازی، سوگندهای قرآن، ۳۲۲). در ادامه این آیات می‌فرماید: ﴿فَأَثَرُنَ بِهٖ نَقْعًا﴾. کلمه «أثرن» جمع مؤنث غایب از فعل ماضی و از مصدر «اثاره» است که به معنای برانگیختن گردوغبار است و کلمه «نقع» در منابع لغوی و تفسیری به معنای غبار یا خاک بیان شده است (فراء، ۲۸۴/۳؛ طریحی، ۳۹۸/۴؛ ابن درید، ۹۴۳/۲).



در آخرین خصوصیت از اوصاف مزبور، به یورش و هجوم این مجاهدان سوگند یاد می‌کند که به صورت خیلی سریع و ناگهانی و به طرز کاملاً شگفت‌انگیز، در میان خیل دشمن حاضر می‌شوند: ﴿فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا﴾. کلمه «وسط» که مصدر فعل «وسطن» است، به معنای توسط و در وسط قرار گرفتن است (زمخشری، ۷۸۷/۴). معنای این دو آیه می‌شود: «و به وسیله آن هجوم، گردوغبار فراوانی برمی‌انگیزانند و ناگهان در میان گروه دشمن درمی‌آیند».

پس از چندین قسم به‌طور متوالی، به‌عنوان جواب قسم، سه خصلت از ویژگی‌های بنی‌آدم را متذکر می‌شود که انسان به‌طور طبیعی - و نه فطری - به پروردگار و صاحب نعمت‌هایش ناسپاس است و خود بر کفران‌گری خویش - عالماً و عامداً - آگاه و گواه است. این چنین انسانی، علاقه و انگیزه وافری به هر خیر و مطلوب‌های برتر را در درون خود می‌پروراند؛ ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ و إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ.

در واپسین آیات این سوره، پس از سوگندهای پی‌درپی در کسوت اسلوب اندازی، دو صحنه گریزناپذیر روز واپسین، یعنی زیور و شدن قبور و آشکار شدن پنهانی‌ها و خبیر بودن خداوند سبحان از تمامی نیت‌های انسان را متذکر می‌شود؛ ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَافٍ فِي الْقُبُورِ و حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾.

جمع‌بندی کلی از مضمون سوره عادیات

گرچه کیفیت بیان این سوره - به لحاظ معیارهایی که دانشمندان علوم قرآنی وضع کرده‌اند - با برخی از معیارهای سوره‌های مکی می‌تواند نزدیک باشد، اما اولاً این ملاک‌ها نوعاً صبغه غالبیت دارند، نه کلیت، بدین جهت علاوه بر ورود برخی از این ملاک‌ها در حیطه موارد استثنایی، می‌بایست جهت نیل به تاریخ‌گذاری این گونه سوره‌های اختلافی، با در نظر گرفتن مجموع قرائن به‌صورت موردپژوهانه، به تعیین مکی یا مدنی بودن آن اقدام ورزید.

ثانیاً به‌لحاظ منطقی و عقلایی، اسلوب و سبک بیان گزاره‌ای فرع بر محتوا و مضمون آن است. به عبارت روشن‌تر، متکلم به‌طور طبیعی ابتدا در صدد است چه

مطلب و موضوعی را ارائه نماید و آنگاه تصمیم می‌گیرد که چگونه آن را در ساحت جملات و واژگان، با شیوه‌های گوناگون به کسوت الفاظ بیاراید.^۵ از این رو لازمه واقعه‌گویی و برانگیختن روحیه مستمع اقتضا می‌کند که متکلم در جملات خود از ابزاری نظیر سوگندهای پیاپی - در جهت ستودن عمل نقش‌آفرینان ماجرا - تأکیدات متناوب، کوتاهی جملات، انعطاف آهنگ و اوزان موسیقایی کلام و لحن تند و آرام بهره ببرد.

ثالثاً با نظر به بیان بیشتر لغت‌پژوهان، واژه «عادیات» به حیواناتی که به سرعت می‌دوند، معنا می‌شود، اما عده‌ای از مفسران در مصداق و مراد خداوند سبحان از کاربرست این واژه اختلاف نظر کرده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد با عنایت به ذکر واژگان و اوصاف چندگانه‌ای که در آیات نخستین این سوره آمده از یک سو، و مضامین و فضای غالب رزمی-جنگی‌ای که بر این سوره سایه افکنده است از سوی دیگر، و عدم کفایت مدلول روایاتی که بر مکی بودن عادیات استوارند از سوی سوم، و بیان آشکار روایاتی که آن را به داستان حقیقی با رویکردی جنگی ناظر می‌دانند، می‌توان به این نتیجه نایل شد که منظور از عادیات، اسبان تیزتک جنگی هستند که در راه اعلا و اعتلای کلمه توحید به کار گرفته شده‌اند، از این رو خداوند سبحان عمل آنها را در کسوت جملات متناوب، شایسته سوگند می‌داند.

تخمین زمان نزول سوره عادیات

با نظر به مطالبی که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان به محدوده تقریبی زمان نزول سوره عادیات نزدیک شد. از همین رو تاریخ‌گذاری سوره عادیات صرفاً به واسطه روایات ترتیب نزول صحیح نمی‌نمایاند؛ زیرا گرچه تعداد روایات مکی بودن این سوره بیشتر از روایاتی است که بر مدنی بودن آن نظارت دارد، اما به جهت تعارض سندی و دلالتی این روایات از یک سو، و عدم معاضدت مرجحات بیرونی از سوی دیگر، برای رجحان دسته‌ای بر دسته دیگر، نیازمند واری و بررسی سایر دلایل خواهد بود. در نتیجه برای رسیدن به یک محدوده زمانی معین،



می‌بایست قراین و شواهد قوی‌تری مورد واکاوی قرار گیرند تا دیدگاه راجح، از قوام و استحکام قابل ملاحظه‌ای برخوردار شود.

هرچند روایات سبب نزول عادیات به دو دسته کلی قابل تقسیم‌اند، ولی نقدهایی که هم به لحاظ سندی و هم به لحاظ دلالتی بر روایات مکی بودن آن مترتب است، پذیرش مکی بودن آن را با اشکال و چالش جدی همراه می‌سازد که در نتیجه آن، در صورت فرض پذیرش سند و متن این روایات، باز بر مکی بودن این سوره دلالت نخواهد کرد. اما در مقابل، با التفات به روایتی که از امام صادق علیه السلام منقول است - روایتی که پیرامون نبرد ذات السلاسل بازگو شد - و همچنین قراین دیگری که در گنجینه معارف امامیه به آن اشاره شد - روایتی که نزول سوره عادیات را در فضیلت علی علیه السلام معرفی می‌کند - مهر تأییدی بر مدنی بودن این سوره نهاده می‌شود. از این رو اجتماع این شواهد و قراین در فرآیندی مرتبط با فضای غالب بر این سوره، به منزله مؤیداتی به شمار می‌روند که با مفاد و مضامین سوره عادیات هماهنگ و همسو هستند.

با این حال، از آن‌رو که در سرزمین مکه این امکان و ابزار برای مسلمانان فراهم نبود تا با دشمنانشان هماوردی کنند و از آن‌سو که اساساً موضوع جهاد پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه تشریح شد و متعاقب آن، تمامی جنگ‌های مسلمانان صدر اسلام با کفار و ایادی ایشان در مدینه و یا در اطراف آن به وقوع پیوسته است، و همچنین با عنایت به تعابیر و مضامین این سوره، می‌توان به جزم علمی اظهار داشت مدنی بودن این سوره از دیدگاهی راجح و صائب برخوردار است. در نهایت با نظر به اینکه پیکار مسلمانان با کفار قریش در جنگ ذات السلاسل قبل از فتح مکه در سال هشتم هجری به وقوع پیوسته است،^۶ می‌توان به این نتیجه دست یافت که سوره عادیات در آن سال نازل شده است.

نتیجه‌گیری

۱- خواستگاه اصلی بروز اختلاف در مکی یا مدنی بودن برخی سوره‌ها، از روایاتی نشأت گرفته که حکایتگر ترتیب نزول سوره‌های قرآن‌اند. این امر موجب تضارب آراء در میان مفسران و قرآن‌پژوهان اسلامی شده است. بر اساس روایات ترتیب نزول، بیشتر سوره‌های قرآن بدون هیچ اختلافی، مکی و شمار کمتری به اتفاق مدنی‌اند، ولی برخی از سوره‌ها به دلایلی همچون تصحیف، تحریف و حتی جعل، مختلف به نظر می‌رسند. بدین‌سان این امر خود، خواسته یا ناخواسته، به نمو و نمود اختلافات دیگر انجامیده است.

۲- تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم، خصوصاً سوره‌های اختلافی نظیر عادیات، مستلزم آن است که در گام نخست، منابع نقلی همانند روایات ترتیب نزول و سبب نزول مورد عنایت قرار گیرند و به دنبال آن، سند و متن و محتوای آنها بررسی شوند و آن‌گاه با استفاده از روش قیاسی و به‌کارگیری قواعد، ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی، مورد بازکاوی واقع شوند. با این همه، می‌توان با در نظر گرفتن نتایج هردو راه شناخت، نخست به مکی یا مدنی بودن آن سوره و سپس به محدوده زمانی نزول آن دست یافت.

۳- روایات سبب نزولی که بر مدنی بودن سوره عادیات دلالت دارند، به‌طور کلی به دو گونه قابل تقسیم هستند. گونه دوم این روایات هرچند ظاهراً به‌صورت مرسل به امام صادق علیه السلام منسوب است، ولی با کمی تتبع در منابع امامیه، هم از حیث سند، طرق آن از روات فریقین گزارش شده، و هم از جهت محتوا، متن کامل آن همراه با توضیح تفصیلی بیان می‌شود. از این‌رو از آنجایی که این روایات در منابع مختلف امامیه - به‌صورت مکرر - نقل شده و از منظر محتوایی نیز با مضامین این سوره هماهنگ و همسو است، می‌توان آنها را به‌عنوان سبب نزول یا شأن نزول این سوره محسوب کرد.

۴- هرچند برخی روایات ترتیب و سبب نزول و برخی ضوابط و خصایص سوره‌ها، مکی بودن عادیات را نشان می‌دهد، اما با بررسی دقیق و جامع‌الاطراف آنها و در نظر گرفتن معنای واژگان سوره عادیات و شواهد و قراین گسسته‌ای که



در منابع امامیه منقول است و نزول این سوره را در فضیلت علی علیه السلام بیان می‌کند، مدنی بودن سوره از یک سو و سال نزول آن از سوی دیگر به دست می‌آید.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- هرچند که مراسم حج با اکثر شاخ و برگ‌هایش در میان عرب جاهلی به‌خاطر اقتدا به سنت ابراهیم رواج داشت، ولی آن‌چنان با خرافات آمیخته بود که مستبعد است که قرآن کریم به آن سوگند یاد کرده باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۷/۲۳۶).
- ۲- از آنجایی که متن این روایات در منابع روایی متقدم امامیه به‌صورت مفصل بازگو شده است، از انتقال آن خودداری شد. برای اطلاع از کم‌وکیف این قضیه رک: قمی، ۲/۴۳۴؛ کوفی، ۵۹۹؛ مفید، الارشاد، ۱/۱۶۵؛ طوسی، الامالی، ۴۰۷؛ استرآبادی، ۸۱۰؛ قمی مشهدی، ۱۴/۴۰۳؛ عروسی حویزی، ۵/۶۵۲؛ فیض کاشانی، الصافی، ۵/۳۶۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ۷۵/۲۱.
- ۳- سایر ابزار تأکید نظیر تشبیهات، حروف تأکیدی چون *إن*، *أَنَّ*، *نون* مثقله و مفعول مطلق تأکیدی نیز بیشتر از سوره‌های مکی نیست.
- ۴- وجه ارتباط و تناسب میان سوره عادیات با سوره قبل از خود (زلزال) (رک: شریعتی، ۲۹۸).
- ۵- البته این امر در مورد ساحت کبریای ذات اقدس ربوبی که تمامی امور را به‌واسطه «کن فیکون» انجام می‌دهد، قابل تصور نیست، بلکه به‌طور طبیعی در مورد انسان‌ها مصداق دارد.
- ۶- در منابع متعددی از جنگ ذات‌السلاسل نام برده شده است، ولی برخی از مؤلفان به انتخاب و انتقال بخش‌هایی از آن پرداخته‌اند (ابن شهرآشوب، ۳/۱۴۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ۱/۳۸۳) و در برخی منابع، این واقعه از اشخاص گوناگون گزارش می‌شود (کوفی، ۵۹۱). به‌رغم اینکه در برخی منابع تاریخی اهل تسنن این رویداد بازگو می‌شود، اما در خصوص رشادت‌های حضرت علی علیه السلام سخنی به میان نیامده است (طبری، تاریخ طبری، ۳/۳۲؛ واقدی، ۲/۷۶۹؛ ابن اثیر، ۲/۲۳۲). از این رو این احتمال وجود دارد که ذات‌السلاسل نام دو غزوه باشد که هر کدام به نقل یکی (یا بخش‌هایی از آن) پرداخته و به عللی، از نقل دیگری سر باز زده‌اند (سبحانی، فروغ ابدیت، ۷۸۵).

منايع و مأخذ

١. قرآن كريم.
٢. ألوسى، محمود؛ روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٥ق.
٣. ابن المشهدى، محمد بن جعفر؛ المزار الكبير، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٩ق.
٤. ابن دريد، محمد بن حسن؛ جمهرة اللغة، بيروت، دار العلم للملايين، ١٩٨٨م.
٥. ابن شهر آشوب، محمد بن على؛ مناقب آل أبى طالب عليه السلام، قم، نشر علامه، ١٣٧٩ق.
٦. ابن طاووس، على بن موسى؛ إقبال الأعمال الحسنه، تهران، دفتر تبليغات اسلامى، ١٣٧٤ش.
٧. _____؛ سعد السعود للنفوس منضود، قم، دار الذخائر، بى تا.
٨. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٤ق.
٩. ابن نديم، أبوالفرج؛ الفهرست، بيروت، دار المعرفه، ١٤١٧ق.
١٠. ابن هائم، شهاب الدين احمد بن محمد؛ التبيان فى تفسير غريب القرآن، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ١٤٢٣ق.
١١. اربلى، على بن عيسى؛ كشف الغمة فى معرفة الأئمة، تبريز، بنى هاشم، ١٣٨١ق.
١٢. استرآبادى، على؛ تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العتره الطاهره، قم، مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤٠٩ق.
١٣. اقبال، ابراهيم؛ شناخت مكى و مدنى، تهران، چاپ و نشر بين الملل، ١٣٩٣ش.
١٤. بجلي، ابن ضريس؛ فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمكة و ما أنزل بالمدينه، دمشق، دار الفكر، ١٤٠٨ق.
١٥. بحراني، سيد هاشم؛ البرهان فى تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت، ١٤١٦ق.
١٦. برقى، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن، قم، دار الكتب الإسلاميه، ١٣٧١ش.
١٧. بياضوى، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزيل و أسرار التأويل، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٨ق.
١٨. جزرى، ابن اثير؛ الكامل فى التاريخ، بيروت، دار صادر، ١٣٨٥ق.



۱۹. حجتی، محمدباقر؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ش.
۲۰. حسین احمد، عبدالرزاق؛ المکی و المدنی فی القرآن الکریم، قاهره، دار ابن عفان، ۱۴۲۰ق.
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.
۲۲. حنبلی، عبدالله بن محمد العکری؛ شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، تحقیق: عبدالقادر الأرنؤوط، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.
۲۳. حیدری فر، مجید؛ مهندسی فهم و تفسیر قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱ش.
۲۴. خوش منش، ابوالفضل؛ حمل قرآن: پژوهشی در روش شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۲۵. دخیل، علی بن محمد علی؛ الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۲ق.
۲۶. درویش، محیی الدین؛ اعراب القرآن و بیانہ، سوریه، دارالارشاد، ۱۴۱۵ق.
۲۷. دیلمی، حسن بن محمد؛ إرشاد القلوب إلی الصواب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۸. ذہبی، شمس الدین بن عثمان؛ تاریخ الإسلام و وفیات المشاہیر والأعلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۹. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۳۰. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۳۲. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.
۳۳. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله؛ الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
۳۴. زرقانی، عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۵. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.

۳۶. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۷. سبحانی، جعفر؛ فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم ﷺ، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۳۸. _____؛ مفاهیم القرآن، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
۳۹. سمرقندی، نصرین محمدبن احمد؛ بحرالعلوم، دار الفکر، بیروت، بی تا.
۴۰. سیوطی، جلال الدین؛ الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۴۱. _____؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۲. _____؛ تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۴۳. شاذلی، سیدبن قطب؛ فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۴۴. شافعی، علی بن عبدالله؛ تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۵م.
۴۵. شایع، محمدبن عبدالرحمن؛ المکی و المدنی فی القرآن الکریم، ریاض، ۱۴۱۸ق.
۴۶. شریعتی، محمدتقی؛ تفسیر نوین، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۴۷. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم؛ مفاتیح الاسرار و مصابیح الأبرار، قم، میراث مکتوب، ۱۳۸۶ش.
۴۸. صافی، محمودبن عبدالرحیم؛ الجدول فی اعراب القرآن، بیروت، دار الرشید، ۱۴۱۸ق.
۴۹. صالح، صبحی؛ مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی، ۱۳۷۲ش.
۵۰. صدوق، محمدبن علی؛ الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵۱. _____؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۵۲. طالقانی، محمود؛ پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.
۵۳. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۵۴. _____؛ قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش.



۵۵. طبرانی، ابوالقاسم، المعجم الكبير، قاهرة، مكتبة ابن تيمية، ۱۴۱۵ق.
۵۶. طبرسى، على بن حسن، مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.
۵۷. طبرسى، فضل بن حسن؛ إعلام الورى بأعلام الهدى، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ق.
۵۸. _____؛ تفسير جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مديريت حوزه علميه قم، ۱۳۷۷ش.
۵۹. _____؛ مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۶۰. طبرى، محمد بن جرير؛ تاريخ طبرى: تاريخ الأمم و الملوك، بيروت، دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۶۱. طبرى، محمد بن جرير؛ جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۶۲. طريحي، فخرالدين بن محمد؛ مجمع البحرين، تهران، مرتضوى، ۱۳۷۵ش.
۶۳. طوسى، محمد بن حسن؛ الأمالى، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۶۴. _____؛ التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
۶۵. _____؛ تهذيب الأحكام، تهران، دار الكتب الإسلاميه، ۱۳۷۵ش.
۶۶. طيب، عبدالحسين؛ اطيّب البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۶۷. عاملى، على بن حسين؛ الوجيز فى تفسير القرآن العزيز، قم، دار القرآن الكريم، ۱۴۱۳ق.
۶۸. عروسى حويزى، عبدعلى بن جمعه؛ تفسير نورالثقلين، قم، انتشارات اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.
۶۹. عياشى، محمد بن مسعود؛ تفسير العياشى، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۷۰. فراء، يحيى بن زياد؛ معانى القرآن، مصر، دارالمصريه، بى تا.
۷۱. فيض كاشانى، محمد محسن؛ الوافى، اصفهان، كتابخانه امام أميرالمؤمنين على عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
۷۲. _____؛ تفسير الصافى، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۷۳. قرطبي، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۷۴. قمى، على بن ابراهيم؛ تفسير القمى، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق.
۷۵. قمى مشهدى، محمد بن رضا؛ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۶۸ش.
۷۶. كلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافى، تهران، دار الكتب الإسلاميه، ۱۴۰۷ق.

۷۷. کوفی، فرات بن ابراهیم؛ تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۷۸. ماوردی، أبو الحسن بن حبیب؛ تفسیر الماوردی: النکت والعیون، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.
۷۹. متقی هندی، علاء الدین بن حسام؛ کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بی جا، مؤسسه الرسالہ، ۱۴۰۱ق.
۸۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸۱. _____؛ زاد المعاد: مفتاح الجنان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
۸۲. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۳۰ق.
۸۳. معرفت، محمد هادی؛ تاریخ قرآن، تهران، سمت، ۱۳۸۲ش.
۸۴. معلوف، لويس؛ المنجد فی اللغة والاعلام، ترجمه محمد بندرریگی، تهران، بعثت، ۱۳۸۷ش.
۸۵. مفید، محمد بن محمد؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸۶. _____؛ رسالہ فی المهر، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۸۸. _____؛ سوگندهای قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۸۶ش.
۸۹. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰ش.
۹۰. واحدی، علی بن احمد؛ اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۹۱. واقدی، محمد بن عمر؛ المغازی، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۹ق.
۹۲. هیثمی، أبو الحسن بن سلیمان؛ مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، قاهرة، مکتبه القدسی، ۱۴۱۴ق.
۹۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ الیعقوبی، قم، اهل بیت علیهم السلام، بی تا.